

ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوان

۱. مفهوم «شکاف نسل‌ها»

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|---------|---|
| ۱..... | چکیده..... |
| ۱..... | مقدمه..... |
| ۲..... | طرح مسئله..... |
| ۴..... | مفهوم نسل..... |
| ۵..... | مفهوم گسست نسلی..... |
| ۷..... | مسئله نسل در ایران..... |
| ۹..... | شاخص‌های تمایز نسل‌ها در ایران..... |
| ۱۰..... | نظرات موافق و مخالف «گسست نسلی» در ایران..... |
| ۱۳..... | پیامدهای پذیرش نظریه شکاف نسلی..... |
| ۱۹..... | جمع‌بندی..... |
| ۲۰..... | منابع و مآخذ..... |



ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوان

۱. مفهوم «شکاف نسل‌ها»

چکیده

مفهوم شکاف نسل‌ها برای تبیین تغییرات صورت گرفته در حوزه تحولات ارزشی و به‌خصوص در میان اقشار جوان کشور طرح شده است. طرح این مفهوم پیامدها و آثار مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است. در این گزارش پس از بررسی مفهوم نسل و گسست نسلی، مسئله نسل در ایران، نظرات موافق و مخالف «گسست نسلی» و... به چرایی و چگونگی طرح مفهوم شکاف نسل‌ها اشاره شده است. همچنین در ادامه، به راهکارها و نتایج اجرایی طرح مسئله شکاف نسل‌ها و تبدیل آن به یک انگاره عمومی که خسارات قابل توجهی به خانواده و جامعه ایرانی وارد کرده است، پرداخته‌ایم.

مقدمه

سیاستگذاری فرهنگی در هر جامعه‌ای متأثر از انگاره‌های فرهنگی مورد نظر سیاستگذاران است. به‌عبارت دیگر، سیاستگذاری در خلاء صورت نمی‌پذیرد بلکه به‌شدت از باورهای نهادینه شده، چارچوب‌های تحلیلی و نظری و هر آنچه به‌عنوان مسلمات و توافقات اجتماعی در پس ذهن سیاستگذار وجود دارد، اثر می‌پذیرد.

سیاستگذاری فرهنگی از طریق نهادهای آموزش و پرورش، آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطبوعات، رسانه‌ها، جراید و نشریات، سینما، محصولات فرهنگی و... جاری می‌شود و به همین علت است که انگاره‌های ذهنی سیاستگذاران، اگرچه در نهادهای آکادمیک مورد تردید واقع شود و یا حتی به کلی منسوخ گردد، اثرگذاری خود را حفظ خواهد کرد.^۱

یکی از انگاره‌های موجود در ذهن سیاستگذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی در ایران، وجود شکاف نسلی به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل اجتماعی مبتلابه است که خواسته یا ناخواسته در برنامه‌ریزی‌ها مؤثر بوده و به نوعی در جهت‌دهی به رویکردهای اجتماعی به‌طور عام و مسائل جوانان به‌طور خاص نقش کلیدی ایفا می‌کند. بنابراین هرگونه تضعیف یا تقویت انگاره «شکاف نسلی» می‌تواند گامی اساسی در تحول سیاستگذاری فرهنگی به‌شمار آید.

طرح مسئله

تغییرات فرهنگی وسیعی که در طول یک دهه پس از جنگ رخ داد، تحلیل‌گران را به سمت استفاده از الگوی تحلیلی شکاف نسل‌ها سوق داده است. احساس ناآگاهی و نارضایتی والدین از خواسته‌ها و رفتار فرزندان خود، از یک‌سو و نگرانی جامعه و

۱. به‌طور مثال در سال‌های اخیر، در دانشگاه‌ها، مفهوم شکاف نسلی برای توضیح تحولات فرهنگی جای خود را به «جهانی شدن» و «رسانه‌ای شدن» داده است ولی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی تغییر چشمگیری به‌وجود نیامده است.



حکومت از اعمال و رفتار، نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان موسوم به نسل سوم ازسوی دیگر، سبب تداوم وضعیتی شده است که به‌عنوان شکاف نسلی شناخته می‌شود. وضعیت اخیر به نحوی است که گویا ارزش‌های خانواده ایرانی و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی را در معرض تهدید قرار داده است.

شکاف نسلی از موضوعاتی است که علیرغم گذشت زمان قابل توجه از طرح آن، همچنان ذهن جامعه ایرانی را به‌خود معطوف کرده است. اهمیت مسئله نسل‌ها از آنجاست که استمرار یک جامعه به‌وسیله فرآیند جامعه‌پذیری که سنت اجتماعی نسل‌های پیشین را به نسل‌های جدید انتقال می‌دهد، تأمین می‌شود، لکن جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست. یعنی نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند. بلکه این تکرار همواره با انتقاد، رد برخی از جنبه‌های سنتی و یا نوآوری همراه است. در جامعه معاصر، این خصایص به علت تغییرات عمومی و تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها که به نسل جدید امکان می‌دهد تا حدی بین راه‌های مختلف زندگی به انتخاب بپردازد و یا عناصر گوناگون فرهنگ را از نو در انگاره‌های جدید ترکیب کند، بارزتر می‌شوند.

فرایند انتقال فرهنگی نمی‌تواند به صورت پایدار در نسل‌های متوالی حادث شود، بلکه انتقال فرهنگی، بین انتقال کامل (بدون هرگونه تفاوت بین والدین و فرزندان) و انتقال کاملاً ناقص (بدون هیچ‌گونه تشابه بین والدین و فرزندان) قرار دارد. در «انتقال کامل»، اجازه نوآوری و تغییر وجود ندارد و افراد توانایی واکنش به موقعیت‌های جدید را ندارند. «شکست در انتقال» نیز امکان کنش هماهنگ نسل‌ها را از بین می‌برد.

پس پیامد هر کدام از این دو سر طیف می‌تواند برای جامعه مشکل‌زا باشد. برای بررسی بیشتر ارائه تعریفی از مفهوم نسل و شکاف نسلی ضرورت دارد.

مفهوم نسل

علیرغم تعاریف بسیاری که از مفهوم نسل شده است، وفاق کاملی در مورد معنای نسل وجود ندارد. شاید این مسئله به این دلیل است که مفهوم نسل، مفهومی بسیار انعطاف‌پذیر است. در جمعیت‌شناسی، نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند، مثلاً گروهی که در یک زمان فارغ‌التحصیل می‌شوند، یا در زمانی بالنسبه نزدیک به هم، به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند. همچنین شاید بتوان گفت یک نسل عبارت است از: فاصله میان والدین با فرزندان. بدین ترتیب ما شاهد حضور سه نسل در هر دوره هستیم: پدربزرگان و مادر بزرگان، پدران و مادران و فرزندان.

جایگاه نسلی تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی که در دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده و مقدار مشترکی از وقایع تاریخی را تجربه می‌نمایند، مرتبط می‌باشد. یک واحد نسلی دارای ویژگی‌های زیر است:

(الف) وجود مکان مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی،

(ب) سرنوشت مشترک و علاقه‌هایی براساس طبقه اقتصادی، اجتماعی،

(ج) داشتن هویت واحد براساس تجربه مشترک.

به عبارت دیگر، نسل به واسطه وقایع و حوادث زیر ساخته می‌شود:



۱. واقعه فراموش نشدنی همچون جنگ شهری، مصیبت طبیعی و یا هر حادثه سیاسی - اجتماعی مهم دیگر،
۲. تغییر ناگهانی در ساختار جمعیت که زمینه‌ساز توزیع مجدد منابع جامعه شود،
۳. شکل‌گیری فاصله طبقاتی جدیدی که زمینه‌ساز موفقیت یا شکست نسلی گردد،
۴. ایجاد فضای مقدس که موجب پایداری حافظه جمعی از امر مقدس ایدئالی شود و ...

مفهوم گسست نسلی

در تعریف گسست نسلی آمده است: دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً گسست نسل‌ها نامیده می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن‌کشی و طغیان‌گری می‌پردازند.^۱

در مورد تفاوت‌ها و تشابهات نظام ارزش‌ها، در میان نسل‌های مختلف - که منجر به شکاف نسلی بین فرزندان و والدین می‌شود - سه دیدگاه عمده وجود دارد. در یکسو، کسانی که معتقد به مسئله «شکاف عمیق» هستند. در سوی دیگر، کسانی که وجود شکاف عمیق را یک توهم و خیال می‌پندارند و معتقدند این موضوع توسط

۱. محمدجواد چیت‌ساز قمی، مقاله «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، منتشره در دو فصلنامه تخصصی «جوانان و مناسبات نسلی»، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صفحه ۱۰۱ به نقل از اسپاک، ۱۳۶۴: ۲۵۹.

وسایل ارتباط جمعی به غلط به مردم تحمیل شده است. دیدگاه سوم نیز که در نقطه وسط دو دیدگاه قبلی قرار دارد، معتقد به «پیوستگی و تفاضل‌گزینشی» بین نسل‌هاست.

۱. نظریه شکاف عمیق

صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که شکاف بین جوانان و بزرگسالان نسبتاً شایع و گسترده است. آنها فرهنگ جوانان را (از نقطه‌نظر پذیرش ارزش‌های غالب و مسلط) مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌دانند. در این دیدگاه که نمی‌تواند به‌صورت قانع‌کننده‌ای چرایی تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای جوانان از بزرگسالان را تبیین کند، تضاد بین نسل‌ها ناشی از قبول ارزش‌های مختلف است که در نهایت نیز به تضاد رفتاری ختم می‌شود.

۲. نظریه عدم شکاف

در آن سوی طیف، برخی متفکران اجتماعی تأکید دارند که میان جوانان و بزرگسالان جدایی اجتماعی روی داده است، ولی شکاف بین آنها اساساً ارتباطی با قبول ارزش‌های مختلف ندارد. بلکه جدایی، بیشتر در زمینه قابلیت کاربرد موقعیتی توصیه‌های هنجاری برای تحقق دادن به ارزش‌ها می‌باشد. به‌عبارت دیگر، ارزش‌های میان دو نسل یکسان است، درحالی که هنجارهای رفتاری تغییر یافته است که این تغییر هنجارهای رفتاری می‌تواند ناشی از تغییرات تکنولوژیک یا چیزهای مشابه باشد.



۳. نظریه دیدگاه پیوستگی و تفاضل‌گزینشی

این دیدگاه معتقد است که تضاد ارزشی اندکی بین نسل‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، توافق ارزشی و بینشی میان نسل‌ها به مراتب بیشتر و قوی‌تر از تضادهای موجود است و علیرغم وجود پیوستگی ارزشی در غالب موارد، برخوردهای گزینشی اندکی نیز وجود دارد. در عین حال طرفداران این دیدگاه با دیدگاه دوم، موافق بوده و معتقدند که ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه می‌توانند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند.

مسئله نسل در ایران

مطالعه نسلی در جهان معاصر بیش از چندین دهه قدمت دارد، درحالی که سابقه این امر در ایران به کمتر از دو دهه می‌رسد. در ایران تا قبل از پایان دهه ۱۳۶۰ سخنی از مطالعه نسلی وجود نداشت و با توجه به جوان بودن جمعیت جامعه ایرانی از دهه ۱۳۳۰ بحث صورت گرفته در مورد جوانان، بیشتر تأکید بر آمار و ارقام و مقایسه جمعیت آماری به لحاظ سنی - در مقایسه با جمعیت گروه‌های سنی بالاتر- است. در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۵ با توجه به مسائل پس از جنگ از جمله خرابی‌های گسترده و نیازهای روبه گسترش جامعه، برنامه‌های توسعه در دستور کار دولت وقت قرار گرفت. تغییرات فرهنگی - اجتماعی در جامعه ایران پس از جنگ به صورت ذیل فهرست شده است:

۱. دگرگونی ارزش‌های جامعه از معنوی به مادی،

۲. تشدید نابرابری اجتماعی در ایران،
۳. فرآیند تبدیل ثروت به ارزش و تأثیر آن بر روی سایر ارزش‌ها،
۴. انحرافات و فساد اجتماعی،
۵. ولع ارتقا و تحرک صعودی و اختلال در کارکرد مشاغل،
۶. کاهش انسجام اجتماعی،
۷. تغییر گروه‌های مرجع،
۸. تغییر ارزش‌ها و مشروعیت نظام و ...^۱

ابهامات و سؤالات موجود نسبت به تغییرات صورت گرفته در جامعه، در اواخر این دوره به اوج خود می‌رسد و به یکباره اصطلاح «گسست نسل‌ها» مطرح می‌شود، درحالی که گزینه‌های دیگری همچون توافق (پیوستگی، تفاهم و همسانی)، تعامل، تفاوت، تغییر، انقطاع و ... نیز وجود داشت. نهایتاً رئیس دولت هفتم، بحث انقطاع نسل‌ها را به عنوان دغدغه خود در دیدار با پژوهشگران دانشگاهی در سال ۱۳۷۶ ابراز می‌دارد^۲ و این اولین باری است که «شکاف نسل‌ها» توسط یک مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود. با شکل‌گیری تحولات جدید اجتماعی و سیاسی در دهه ۱۳۷۰ و جدی‌تر شدن اهمیت جوانان در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و با توجه به تفاوت وضعیت جامعه ایران با وضعیت گذشته و جابجایی

۱. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۲. فرامرز حق‌شناس، «شکاف نسل‌ها دغدغه روحانیان و صاحب‌نظران»، در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۱.



گروه‌های مرجع، به سرعت، شکاف نسلی به یکی از اصلی‌ترین مسائل حوزه سیاسی و روشنفکری تبدیل می‌شود و در اولین مرحله از طرف روزنامه‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.^۱

به این ترتیب شکاف نسلی از مفهومی برای تبیین دگرگونی‌های صورت گرفته در جامعه به واقعیتی عینی که باید چاره‌ای برای آن اندیشید، تغییر می‌کند.

شاخص‌های تمایز نسل‌ها در ایران

مرور مجموعه مباحث مفهومی در مورد نسل‌ها نشان می‌دهد که عمدتاً شاخص‌های زیر برای تمایز نسل‌ها در ایران به کار برده شده است:

۱. شاخص سن و همسالان،
۲. تجارب مشترک جامعه‌پذیری،
۳. وقایع مهم تاریخی همچون جنگ، انقلاب، کودتا و ...،
۴. تجربه‌های نسلی.

بر این اساس، با مبنا قرار دادن انقلاب اسلامی سه نسل از یکدیگر تفکیک شده‌اند: الف) نسلی که فرآیند جامعه‌پذیری آنان به دهه‌های سی و چهل باز می‌گردد و تجارب مشترکی چون کودتای ۲۸ مرداد، دولت ملی مصدق، قیام پانزده خرداد و ... را پشت سر گذاشته است.

۱. تقی آزادارمکی، مقاله «فرآیند تغییر نسلی؛ بررسی فراتحلیلی در ایران»، منتشره در دو فصلنامه تخصصی «جوانان و مناسبات نسلی»، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۴۶.

ب) نسلی که فرآیند جامعه‌پذیری آنان به دهه پنجاه باز می‌گردد و تجربه انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از مهمترین تجارب تاریخی این نسل محسوب می‌شود.

ج) نسلی که فرآیند جامعه‌پذیری آنان به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و تجارب مشترک خاص خود را دارد.^۱

اگر بخواهیم این سه نسل را به‌وسیله گروه‌های سنی مشخص نماییم به ترتیب زیر خواهد بود:

۱. گروه سنی ۱۵-۲۹ سال (نسل سوم)،

۲. گروه سنی ۳۰-۵۴ سال (نسل انقلاب و جنگ)،

۳. گروه سنی ۵۵ سال و بیشتر (نسل قبل از انقلاب).

طبق این دیدگاه با اندکی تسامح می‌توان گفت این سه نسل در حال حاضر نسل‌های جوان، میانسال و کهنسال را نمایندگی می‌کنند.

نظرات موافق و مخالف «گسست نسلی» در ایران

در ایران نیز تحت تأثیر ادبیات مطالعات نسلی غرب، در میان روشنفکران، سیاستمداران و برنامه‌ریزان اجتماعی در مجموع سه دآوری در مورد وضعیت نسل‌ها وجود دارد:

۱. ملاک‌های متفاوتی برای تمایز نسلی وجود دارد و ملاک مورد نظر در این گزارش، صرفاً به‌عنوان رویکرد غالب که به مثابه یک انگاره مسلم به‌استخدام جریان سیاسی - اجتماعی خاص درآمده و به کار گرفته شد، مورد بررسی قرار گرفته است.



۱. گسست نسلی

موافقان «گسست نسلی» معتقدند درحال حاضر نسل سوم از نسل گذشته گسسته است، یعنی دو نسل پی در پی، حرف همدیگر را نمی‌فهمند و درد و مشکلات یکدیگر را درک نمی‌کنند. این پدیده، انحرافات و خطراتی را برای انسجام روابط اجتماعی بین نسلی دارد. در این میان، متأسفانه روز به روز بر شکاف میان نسل‌ها افزوده و فاصله بیشتر می‌شود.^۱

۲. وفاق نسلی

در مقابل، مخالفان «گسست نسلی» معتقدند عملاً شکافی میان دو نسل جوان و سالخورده وجود ندارد، آنچه هست اختلافات ناچیز یا در مواردی نادر است که به‌طور طبیعی در تمامی جوامع و از جمله کشور ما وجود دارد.^۲

۱. نگاه کنید به:

- محمدرضا شرفی، «مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسل‌ها» در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.

- غلامعباس توسلی، «زمینه‌های اجتماعی و گسست نسلی» در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.

۲. نگاه کنید به:

- هادی جلیلی، تحقیقی با عنوان «شکاف نسل‌ها» به سفارش مؤسسه پژوهش‌های آینده‌نگری، ۱۳۷۴.

- هادی جلیلی، ماهنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۴، خرداد ۱۳۷۷.

۳. تزامم و تعامل توأمان

این گروه معتقدند می‌توان مدعی شد جامعه ایرانی دچار انقطاع و گسست فرهنگی و نسلی نشده است. آنچه تولید می‌شود از طریق نقش‌آفرینی نسل جدید در متن اجتماعی و فرهنگی ایرانی است. بدین لحاظ، نسل جدید به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تعامل نقدگونه و در بعضی از وضعیت‌های اعتراض‌گونه با نسل‌های گذشته به بازتولید فرهنگی - اجتماعی اقدام کرده است. بنابراین بی‌اعتباری نظری بحثی تحت عنوان انقطاع نسلی آشکار است.

به عبارت دیگر، جامعه ایران دارای تفاوت نسلی عمده و اساسی است، اما چیزی تحت عنوان شکاف نسلی که نهایتاً به انقطاع نسلی می‌انجامد، در آن دیده نمی‌شود. علت این موضوع به ساختارهای جامعه ایرانی باز می‌گردد. در جامعه ایرانی، کانون مدیریت جامعه، خانواده است. ارزش‌های خانواده ایرانی طی سال‌های اخیر در حال تغییر است که عامل آن نسل میانی و تبلورش در نسل جوان است. جامعه ایرانی صاحب خصوصیات کم‌نظیری در میان جوامع است، حال آنکه در غرب «جوان» فرد بیرون افتاده از خانواده و موجود آزادی است که تصمیماتش را خودش می‌گیرد.^۱

- مهناز توکلی، «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی» در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
۱. نگاه کنید به:

- تقی آزاد ارمکی، «تجربه جهانی و گسست فرهنگی اجتماعی در ایران» در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.



پیامدهای پذیرش نظریه شکاف نسلی

«اگر اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است» این گفتاری است که بر یک لوح باستانی کشف شده در شهر «اور» نقش بسته است. این جملات بازتاب عقیده‌ای نسبت به جوانان است که در هر عصری شایع است. بدین لحاظ موضوع روابط بین نسل‌ها پدیده تازه‌ای نیست، بلکه امری تاریخی است. اما مسئله مهم در اینجا پاسخ به این سؤال است که: اگر موضوع روابط بین نسلی پدیده تازه‌ای نیست، چرا در دوره‌ای چنین مورد اقبال قرار می‌گیرد؟ آیا جامعه و خانواده که در دوره‌های مختلف با این مسئله مواجه بوده است، این‌بار از حل این مسئله عاجز آمده است؟

سؤال دیگر این است که: آیا ابتدا «شکاف نسل‌ها» در جامعه ما به وقوع پیوست و سپس اهالی اندیشه به دنبال راه‌حل برای آن شتافتند؟ یا بالعکس، ابتدا اهل دانشگاه با نظریاتی آشنا شدند و سپس پی به بیماری صعب جامعه خود بردند؟ آیا اصولاً بیماری که بدون تذکر دیگران دردی نداشته و قرن‌ها بدون نیاز به مداوا مشکلی را پدید نیاورده است، بیماری است؟

پاسخ این است که جریان سیاسی - اجتماعی خاصی با برجسته‌سازی مسائل نسلی به آن دامن زد و با تزریق منابع دولتی و برنامه‌های حمایتی به برگزاری نشست‌های

- تقی آزاد ارمکی و احمد غیاثوند، جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، انتشارات آن، ۱۳۸۳.

- تقی آزاد ارمکی و غفاری، جامعه‌شناسی نسلی در ایران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.

مختلف، انتشار کتب و مجموعه مقالات و ساخت محصولات فرهنگی به‌ویژه فیلم‌های سینمایی به بسط ایده شکاف نسلی و تبدیل آن به یک انگاره عمومی اقدام نمود.

پذیرش نظریه شکاف نسلی و بالاخص تبدیل آن به «پروژه شکاف نسلی» با رویکردی سیاسی - فرهنگی پیامدهای چشمگیری را در پی داشته است. در واقع مطرح‌کنندگان این نظریه از طریق دخیل کردن آن در سیاستگذاری فرهنگی و ارائه راهکارهای مختلف، نوعی از مهندسی فرهنگی را با بهره‌گیری از:

- پدیدآورندگان فرهنگی (یعنی نویسندگان، هنرمندان، شاعران، کارگردانان و...)،
 - تصمیم‌گیران (یعنی سازمان‌های دولتی، نیمه‌دولتی و عمومی، NGOها، بانک‌ها، مؤسسات بزرگ اقتصادی، تولیدکنندگان و...)،

- واسطه‌ها (یعنی منتقدان، روزنامه‌نگاران، روشنفکران و...)،

- مخاطبان (یعنی مخاطبان حرفه‌ای، مخاطبان معمولی، توده مردم، مصرف‌کنندگان کالاهای فرهنگی و...) ^۱ به اجرا درآوردند.

به‌عبارت دیگر، سیاستگذاران فرهنگی با مدیریت نهادهای تولیدکننده و اداره‌کننده شکل و محتوای محصولات فرهنگی شامل موزه‌ها، وزارتخانه‌های عهده‌دار امر آموزش، هنرها، فرهنگ، رسانه‌ها، مدارس، مؤسسه‌های آموزش عالی، تلویزیون، استودیوهای ضبط، مؤسسه‌های تبلیغاتی و بسیاری عناصر دیگر ^۲ پروژه مورد نظر خود را اجرایی کردند.

۱. منوچهر محسنی، بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶، صفحه ۳۸۸ به نقل از: Mollrd, 1994: 3- 15.

۲. همان، صفحه ۳۸۷ به نقل از: Barker, 2003: 223.



۱. نسل سوم

یکی از اقدامات در راستای این پروژه، مفهوم‌سازی «نسل سوم» و کاربرد آن در سطوح مختلف اجتماعی است:

– **سطح خرد:** تبدیل فرزندان به نسل سوم ← تغییر نسبت والدین و نسل سوم ←
عادی‌نمایی جدایی والدین و نسل سوم ← پذیرش ذهنی جدایی والدین و نسل سوم ←
بروزات عینی یافتن جدایی والدین و نسل سوم ← جدایی والدین و نسل سوم

در این سطح تحلیل، والدین و فرزندان با پذیرش ذهنی طبیعی بودن جدایی از فرزندان، ناخواسته جدایی در ارزش‌ها و هنجارها را می‌پذیرند. فرزندان نیز انجام رفتارهای متفاوت با نظر و خواست والدین را امری عادی و حتی اجتناب‌ناپذیر می‌شمارند و همین امر سبب پیروی بخش قابل توجه جوانان از رفتارهای ناهنجار اقلیت مرزشکن^۱ و نهایتاً گسترش و عمومیت یافتن ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های محدود جوانان به شاخصه‌های جامعه جوان می‌شود. به عبارت دیگر نوعی یکسان‌سازی میان ارزش‌ها، هنجارها، دغدغه‌ها و مسائل طیف وسیع جوانان - فارغ از سطح تحصیلات، محل سکونت، طبقه اجتماعی و... - به وجود می‌آید.

– **سطح کلان:** تبدیل جوانان به نسل سوم ← تغییر نسبت حکومت و نسل سوم ←
عادی‌نمایی جدایی حکومت و نسل سوم ← پذیرش ذهنی جدایی حکومت و نسل سوم ←
بروزات عینی یافتن جدایی حکومت و نسل سوم ← جدایی حکومت و نسل سوم

۱. اقلیت مرزشکن کسانی هستند که تمهیداً بر روی مرزهای رفتاری هنجار و ناهنجار حرکت می‌نمایند و خصوصاً در مراکز عمومی و نیمه‌عمومی مثل مترو و خودروی شخصی برای لحظاتی ارزش‌های جامعه را زیر پا می‌گذارند.

در این مرتبه نیز، پذیرش ذهنی جدایی حکومت و نسل سوم، جدایی عملی حکومت و نسل سوم را در پی خواهد داشت. از نتایج این امر می‌توان به تبدیل شدن جوانان از فرصت به تهدید برای جامعه و بروز امکان سوءاستفاده جریان‌های مخالف داخلی و خارجی از جوانان را پیش‌بینی کرد. این جدایی به‌ویژه میان جوانان و نهادهای حکومتی حافظ هنجارهایی نظیر نیروهای انتظامی، قوه قضائیه و ... با حمایت مطبوعات و خبرگزاری‌ها شدت یافته و نوعی ناهنجاری اجتماعی - سیاسی را پدید می‌آورد.

۲. عوض شدن روزگار

از دیگر مفهوم‌سازی‌های این دوره «عوض شدن روزگار» و کاربرد آن در سطوح اجتماعی متفاوت است:

- سطح خرد: عوض شدن روزگار ← تغییر نسبت ارزش‌ها و اعتقادات والدین با روزگار جدید ← کهنگی و لزوم تجدیدنظر در ارزش‌ها و اعتقادات والدین ← ۱. تزلزل ارزش‌های خانواده، ۲. تعطیلی یا دشواری امر و نهی والدین

در سطح خرد، کهنگی و لزوم تجدیدنظر در ارزش‌ها و اعتقادات والدین، یا با مقاومت والدین و بروز اختلافات خانوادگی مواجه خواهد شد یا نوعی انفعال والدین و تعطیلی یا دشواری امر و نهی را به‌دنبال خواهد داشت. هنگامی که والدین با مقایسه جوانی خودشان با فرزندانشان از دوره و زمانه گلایه می‌کنند، در واقع تحلیل این نوشتار را تأیید می‌کنند.



- سطح کلان: عوض شدن روزگار ← تغییر نسبت ارزش‌ها و اعتقادات حکومت و روزگار جدید ← کهنگی و لزوم تجدیدنظر در ارزش‌ها و اعتقادات حکومت ← ۱. تزلزل ارزش‌های حکومت، ۲. تعطیلی یا دشواری امر و نهی جامعه.

در این مرتبه، کهنگی و لزوم تجدیدنظر در ارزش‌ها و اعتقادات حکومت، بالاخص حکومت دینی که اثبات کارآمدی آن از مهمترین اهداف نظام و از اوجب واجبات است، با سؤال مواجه می‌شود. بی‌اعتقادی نسل آینده به کارآمدی و ارزش‌های نظام مهمترین عامل دلخوشی دشمنان خواهد بود.

نتیجه کاربرد مفهوم «نسل سوم» و «عوض شدن روزگار» در سطوح اجتماعی به شرح ذیل بوده است:

- سطح خرد: در خانواده، حق با نسل سوم (فرزندان) است ← ناکارآمدی خانواده موجود و تعطیلی نظارت خانوادگی.

- سطح کلان: در جامعه، حق با نسل سوم (جوانان) است ← ناکارآمدی حکومت موجود و تعطیلی نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر.

راه حل پیشنهادی گفتمان شکاف نسلی برای خروج از شرایط جدید در مدل ذیل آمده است:

- سطح خرد: در خانواده، تعدیل ارزشی یا کوتاه آمدن خانواده ← نیاز به تساهل و تسامح.

- سطح کلان: در جامعه، تعدیل ارزشی یا کوتاه آمدن حکومت ← نیاز به تساهل و تسامح.

اما در عمل، واکنش خانواده و حکومت نسبت به راه‌حل پیشنهادی چه بود؟

- ناتوانی یا مقاومت خانواده و حکومت در ایجاد تساهل و تسامح،

- ناآشنایی یا عدم تمایل نسل سوم (فرزندان/ جوانان) به حقوق جدیدشان.

راه‌حل ساختاری گفتمان شکاف نسلی در برابر واکنش خانواده و حکومت، و

برای خروج از شرایط جدید به این شرح بوده است:

- **سطح خرد:** ترویج اندیشه تساهل و تسامح در میان افراد جامعه (والدین) و آشنا

کردن نسل سوم (فرزندان) با حقوق‌شان ← نیاز به اصلاحات از بالا.

- **سطح کلان:** ایجاد حکومت مبتنی بر تساهل و تسامح جهت اصلاحات در ارزش‌ها و

آرمان‌های انقلاب و اصلاحات ساختاری از بالا.

آنچه در عمل اولویت یافت راه حل سطح کلان بود. نتیجه راه‌حل ساختاری کلان،

طرح شعارهای «آزادی»، «جامعه مدنی»، «حقوق بشر» و... بود.

در سطح میانه نیز کاربرد مفاهیم «نسل سوم» و «عوض شدن روزگار» آثار

بسیاری داشته است. در این سطح، برخی گروه‌های اجتماعی با خواسته‌ها، ارزش‌ها

و هنجارهای نسل سوم کنار آمده و تساهل و تسامح بیشتر می‌نمایند و برخی دیگر

بر سر ارزش‌ها و هنجارهای خود ایستادگی و مقاومت می‌نمایند. هرگونه تلاش برای

حفظ ارزش‌ها و هنجارهای پیشین با این پیش‌فرض که «روزگار عوض شده» سبب

متهم شدن این گروه به تحجر، ایدئولوژی‌گرایی و تفکر تاریخ مصرف گذشته می‌شود

و سپس گروه مقاومت‌کننده به کمک نشریات، روزنامه‌ها و محصولات فرهنگی عمدتاً

بصری نظیر فیلم‌های سینمایی مورد طعن و تمسخر قرار می‌گیرند. حملات متعدد به



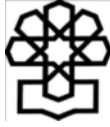
گروه‌های اجتماعی نظیر بازاریان، روحانیت، بسیج و مفهوم‌سازی‌هایی نظیر «لباس شخصی» و «گروه فشار» در این راستا صورت گرفته و شکاف جدیدی در سطوح جریان‌های اجتماعی پدید می‌آورد.

جمع‌بندی

طرح مسئله شکاف نسل‌ها و تبدیل آن به یک انگاره عمومی باعث خسارات قابل توجهی به خانواده ایرانی و حکومت جمهوری اسلامی شده است. در واقع شکاف نسلی موجب نوعی «نسل سوم‌هراسی» شده و اولین اقدام برای رفع معضلات پیش‌آمده، رفع و نفی این گفتمان است. همچنین توجه به مدل‌های پیشنهادی رقیب این گفتمان و مطالعه دقیق تحولات جامعه ایران، به‌منظور گزینش مدلی جایگزین از اهمیت نظری و عملی بالایی برخوردار است که در گزارش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این باره فرموده‌اند: «... هدف‌های دشمن از این کارها عبارت است از: بی‌ایمان کردن، ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته و کوچک کردن افتخارات بیست‌ساله گذشته این جنگ هشت‌ساله و این دفاع مقدس از بزرگ‌ترین افتخارات ملت ایران بود... جدا کردن نسل کنونی از افتخارات گذشته جز از دشمن برنمی‌آید» (بیانات در دیدار با جوانان، ۱۳۷۹/۲/۱) ایشان همچنین مدل «تهاجم فرهنگی» را برای فهم تحولات پس از جنگ تحمیلی ارائه نموده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. رفیع‌پور، فرامرز. توسعه و تضاد (کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، تهران، سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۲. نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.



شماره مسلسل: ۱۲۰۴۲

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ملاحظات سیاستگذاری فرهنگی نسل جوان ۱. مفهوم «شکاف نسل‌ها»

نام دفتر: مطالعات فرهنگی

تهیه و تدوین: اسماعیل نوده‌فراهانی

ناظر علمی: سینا کلهر

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. شکاف نسل‌ها

۲. جوانان

۳. نسل سوم

۴. سیاستگذاری فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۸/۲۳